

## بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

محمد راسخ‌مهند\*

مسعود محمدی‌راد\*\*

### چکیده

در این مقاله قصد داریم به بررسی نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی از منظری در زمانی براساس اصل کاستن صورت‌ها (هاو‌کینز ۲۰۰۴) بپردازیم. طبق این اصل صورت‌های نشاندار پایین‌ترین مرتبه و صورت‌های بی‌نشان بالاترین مرتبه را در سلسله‌مراتب کاربردبنیاد دارند. ترتیب مقولات در سلسله‌مراتب کاربردبنیاد بر اساس بسامد وقوع آنها در زبان‌ها است و دلیل این بسامدهای گوناگون را می‌توان به دلایل ارتباطی، پیچیدگی و وقوع نابرابر عناصر زبانی در محیط اجتماعی نسبت داد. در این مقاله نشان داده‌ایم تغییرات نشاننداری در سلسله‌مراتب شمار و جنس در صرف اسم و ضمیر زبان‌های مورد مطالعه، طبق اصل کاستن صورت‌ها و پیش‌بینی‌های آن است و در سلسله‌مراتب حالت استثنائاتی وجود دارد که مطابق پیش‌بینی‌های این اصل نیست.

**کلیدواژه‌ها:** شمار، حالت، جنس دستوری، اصل کاستن صورت‌ها، پیش‌بینی فهرست صرفی، پیش‌بینی‌های کاهنده.

### ۱. مقدمه

مفهوم نشاننداری ابتدا در مکتب پراگ و توسط تروبتسکوی در واج‌شناسی به کار رفت. بعدها یاکوبسن این مفهوم را در مقولات صرفی - نحوی و معنایی به کار برد و پس از وی

\* استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) mrasekhmahand@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا rad.masud@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۷

نیز این اصطلاح را در مقولات نحوی به کار بردند (کرافت، ۲۰۰۳: ۸۷). از نظر هسپلمت (۲۰۰۶) مفهوم نشاننداری در آثار زبان‌شناسی در همه سطوح زبانی اعم از واج‌شناسی، معنی‌شناسی، صرف و نحو به جای مفاهیمی نظیر پیچیدگی، دشواری، نابهنجاری و همبستگی چند بعدی به کار رفته است. اما عواملی که باعث بوجود آمدن پدیده‌ی نشاننداری می‌شوند از این قرارند: تصویرگونگی، اقتصاد و بسامد. به این ترتیب که صورت‌های بی‌نشان دارای بسامد بیشتری هستند، نسبت به صورت‌های نشاندار کوتاه‌تر و از نظر ارتباطی اقتصادی‌تر هستند و در نتیجه در ارتباط زبانی بیشتر به کار می‌روند.

سلسله‌مراتب نشاننداری درجات قراردادی شدن بسامد کنش عناصر را نشان می‌دهد که حوزه‌های معنایی و یا دستوری یکسان دارند، مثلاً در حوزه شمار اسامی مفرد بسامد بیشتری نسبت به اسامی جمع و اسامی جمع بسامد بیشتری نسبت به اسامی مثنی دارند، در نتیجه اسامی مفرد نسبت به اسامی جمع و اسامی جمع نسبت به اسامی مثنی بی‌نشان‌ترند. هدف مقاله حاضر بررسی موارد نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی شامل کردی سورانی، کرمانجی، تالشی، تاتی (گوش اشتهاردی)، گیلکی، هورامی، مازندرانی، بلوچی و زازاکی است، همچنین برای تکمیل بحث در زمانی صرف اسم و ضمیر زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه و پارتی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. اصل کاستن صورت‌ها (minimized forms principle) هاوکینز (۲۰۰۴) و دو پیش‌بینی آن، یعنی پیش‌بینی فهرست صرفی (morphological inventory prediction) و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده (declining distinctions prediction) مبنای تحقیق کنونی است. از سال ۱۹۶۵، به دنبال آرای چامسکی فرض بر این بوده که کنش زبانی هیچ تأثیری بر دستور یک زبان ندارد. طبق دیدگاه‌های زایشی دستور زبان‌ها بوسیله قوه زبانی از پیش تعیین شده‌اند و در رابطه‌ای نامتقارن با کنش زبانی هستند. زایشی‌ها این نکته را که قواعد دستوری به طور مدام در معرض پردازش زبانی قرار دارند، قبول دارند اما در عین حال بر این باورند که پردازش زبانی تأثیر خاصی بر دستور زبان‌ها نداشته است. در مقابل در نظریه‌ای که هاوکینز معرفی می‌کند رابطه تنگاتنگی بین کنش زبانی و دستور زبان وجود دارد و زبان‌ها ساخت‌های دستوری را بر اساس میزان استفاده در کنش زبانی و راحتی در پردازش برمی‌گزینند.

پرسش این است که آیا تغییرات نشاننداری در زبان‌های مذکور مبتنی بر اصل کاستن صورت‌ها و پیش‌بینی‌های آن هست یا خیر. برای پاسخ به این سوال، در بخش (۲) اصل کاستن صورت‌ها و پیش‌بینی‌های آن در سطح زبان‌ها معرفی می‌شود. بخش (۳) به بررسی

پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در مقوله ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی اختصاص دارد و بخش (۴) این دو پیش‌بینی را در صرف اسم این زبان‌ها بررسی می‌کند. بخش (۵) نتیجه‌گیری است.

## ۲. اصل کاستن صورت‌ها

هاوکینز در کتاب خودکارایی و پیچیدگی در دستورها (۲۰۰۴) فرضیه‌ای را به نام فرضیه تناظر بین کنش و دستور (performance-grammar correspondence hypothesis) معرفی می‌کند که طبق آن زبان‌ها ساخت‌های دستوری را بر اساس میزان استفاده در کنش زبانی و راحتی در پردازش برمی‌گزینند (هاوکینز، ۲۰۰۴: ۳). بر این اساس وقتی زبانی در یک ساخت نحوی خاص دارای چند توالی ممکن است، آنساختی را در نهایت انتخاب می‌کند و به کار می‌برد که در ارتباط با میزان استفاده در کنش زبانی و راحتی پردازش باشد. الگوهای همبستگی کنش در دستورها بوسیله دو مفهوم کارایی (efficiency) و پیچیدگی (complexity) شکل می‌گیرند. پیچیدگی با افزایش صورت‌ها و افزایش ویژگی‌های مرتبط با آن صورت‌ها بیشتر می‌شود. کارایی ممکن است شامل پیچیدگی بیشتر یا کمتر، بسته به بازنمودهای نحوی و معنایی باشد که به یک جمله و پیچیدگی کمتری که لازمه آن است تخصیص داده شود. اما بعضی ساخت‌ها از ساخت‌های دیگر کارا تر هستند. هاوکینز سه اصل کارایی را که از نظر او می‌توان بوسیله آن‌ها به بررسی ارتباط بین کنش زبانی و دستور زبان‌ها پرداخت، معرفی می‌کند. این سه اصل شامل اصل کاستن حوزه‌ها (minimize domains)، کاستن صورت‌ها، و افزایش پردازش برخط (maximize on-line processing) است. در اینجا تاکید ما بر روی اصل کاستن صورت‌ها است. این اصل در صورت‌های زبانی که در یک حوزه مفهومی قرار دارند (مانند عناصر مفرد، مثنی و جمع در حوزه شمار) پیش‌بینی‌هایی می‌کند: ذهن انسان ترجیح می‌دهد پیچیدگی صوری هر واحد زبانی (اعم از واج، تکواژ، واژه و گروه) و هم چنین تعداد صورت‌هایی که دارای تنها یک مشخصه هستند را کم کند و به این ترتیب مشخصه‌های بیشتری را به صورت‌های کمتری اختصاص دهد. اینکار باعث سهولت پردازش می‌شود. این اصل به بیان دو پیش‌بینی در مورد صورت‌های نشاندار می‌پردازد که تغییرات نشاننداری را در سطح زبان‌ها تبیین می‌کند: الف) بر اساس پیش‌بینی اول هر چه بسامد یک واحد زبانی بیشتر و پردازش آن راحت‌تر باشد، پیچیدگی صوری (پیچیدگی واجی، نحوی و معنایی) آن کمتر است، پس

بسامد بیشتر برابر است با پیچیدگی کمتر. در هر سلسله‌مراتب کاربرد بنیاد، عناصری که در مرتبه بالای آن سلسله‌مراتب قرار دارند پیچیدگی صوری کمتری دارند و معمولاً با تکواژ صفر همراه می‌شوند. مثلاً حالت فاعلی که در حوزه حالت، بیشترین بسامد را دارد در اغلب زبان‌ها با تکواژ صفر همراه است (هاوکینز، ۲۰۱۲: ۱۳۴).

ب) بر اساس پیش‌بینی دوم هر چه بسامد یک واحد زبانی بیشتر باشد ویژگی‌های ترکیبی بیشتری در خود دارد و هر چه بسامد یک واحد زبانی کمتر باشد ویژگی‌های ترکیبی کمتری را نشان می‌دهد، مثلاً ضمائر سوم شخص زبان انگلیسی در شمار مفرد تمایز جنس را نشان می‌دهند (he, she, it) در حالی که شمار جمع آنها تمایز جنس را نشان نمی‌دهد (they). همین مساله نشان می‌دهد که ویژگی‌های ترکیبی در شمار مفرد که بی‌نشان است بیشتر از شمار جمع است که نشاندار به شمار می‌رود.

از نظر هاوکینز با استفاده از پیش‌بینی‌های اصل کاستن صورت‌ها، سلسله‌مراتب نشاننداری گرینبرگ (۱۹۶۳) را که امری همزمانی و بین‌زبانی است، می‌توان تبیین کرد. گرینبرگ سلسله‌مراتب نشاننداری را در حوزه شمار، حالت و جنس دستوری به شکل زیر نمایش می‌دهد:

حوزه ی شمار: مفرد < جمع < مثنی < سه تایی یا چندتایی

حوزه ی حالت: فاعلی < مفعولی < برایی < غیره

حوزه ی حالت: مطلق < کنایی < برایی < غیره ( برای زبان‌های کنایی)

حوزه جنس دستوری: مذکر < مونث < خنثی

بر اساس پیش‌بینی (الف) اصل کاستن صورت‌ها جایگاه‌های بالای سلسله‌مراتب (مفرد، فاعلی، مطلق، مذکر) باید پیچیدگی صوری کمتری داشته باشند در حالیکه بر اساس پیش‌بینی دوم، جایگاه‌های بالای سلسله‌مراتب باید ویژگی‌های ترکیبی بیشتری را از خود نشان دهند. بر اساس پیش‌بینی دوم اصل کاستن صورت‌ها می‌توانیم بر تعمیم‌های همزمانی گرینبرگ پیش‌بینی‌هایی را در سلسله‌مراتب بیان داریم که البته این پیش‌بینی‌ها را می‌توان در خانواده‌ای از زبان‌های مرتبط از دید در زمانی نیز بررسی کرد. پیش‌بینی‌هایی که در داده‌های در زمانی می‌توان به کار برد، شامل پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

## ۱.۲ پیش‌بینی فهرست صرفی

پیش‌بینی فهرست صرفی بر اساس «پیش‌بینی دوم» اصل کاستن صورت‌ها است. به بیان دیگر وجود یکی از مقوله‌های شمار یا حالت در مراتب پایین‌تر یک سلسله‌مراتب حاکی از وجود مقوله‌های شمار و حالت مجزا در مراتب بالاتر یک سلسله‌مراتب است. به این ترتیب که اگر زبانی حالت «برایی» مجزا داشته باشد پیش‌بینی می‌شود حالت مفعولی و فاعلی مجزا نیز داشته باشد. به همین ترتیب در سلسله‌مراتب شمار اگر زبانی دارای صورت چندتایی باشد، باید دارای صورت تشبیه مجزا، صورت جمع مجزا و صورت مفرد مجزا نیز باشد. «در هر سلسله‌مراتبی اگر زبانی حداقل یک تکواژ را به جایگاهی خاص بدهد، حداقل یکی را نیز به طور انحصار به هر جایگاه بالاتر از آن خواهد داد. (هاوکینز، ۲۰۰۴: ۶۵)».

پیش‌بینی فهرست صرفی را در مورد داده‌های در زمانی نیز می‌توان به کار برد، به این ترتیب که اگر قرار باشد در طول زمان در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس تلفیقی صورت بگیرد این تلفیق باید در مراتب پایین‌تر این سلسله‌مراتب‌ها صورت گیرد. به عنوان مثال در سلسله‌مراتب شمار در گذر از ایرانی باستان تا زبان‌های ایرانی نو، حوزه شمار از سه شمار مفرد، جمع و مثنی به دو شمار مفرد و جمع کاهش یافته است و شمار مثنی با شمار جمع تلفیق شده است. در سلسله‌مراتب حالت اگر زبانی دارای حالت برایی مجزا باشد دارای حالت مفعولی و فاعلی مجزا نیز خواهد بود مانند آلمانی: Nom/Acc/Dat. حال اگر این نظام سه حالتی تبدیل به یک نظام دو حالتی شود، همانطور که در تاریخ زبان انگلیسی اتفاق افتاد، حالتی که باید از بین برود، پایین‌ترین مرتبه را در سلسله‌مراتب حالت دارد (برایی) و این حالت باید با حالتی که جایگاه نزدیک به خود را دارد؛ یعنی حالت مفعولی تلفیق شود، بنابراین الگوی حالت به این شکل در می‌آید: Nom/Acc/Dat، با اینکه هر سه حالت با هم تلفیق می‌شوند که در این صورت تمایز حالت از بین می‌رود: Nom/Acc/Dat. اما اینکه در زبانی حالت برایی مجزا داشته باشیم و حالت فاعلی و مفعولی با هم تلفیق شوند (Nom/Acc/Dat\*) یا اینکه حالت مفعولی مجزا داشته باشیم و حالت برایی و فاعلی با هم تلفیق شوند (Nom/Dat/Acc\*) از نظر پیش‌بینی فهرست صرفی مجاز نمی‌باشد. پس امکان‌های مختلف تغییر در حوزه‌ی حالت به این شکل است:

جدول (۱): الگوهای مجاز و غیرمجاز تغییر در حوزه‌ی حالت

سلسله‌مراتب حالت: فاعلی < مفعولی < برایی	
فاعلی / مفعولی / برایی (Nom/Acc/Dat)	مجاز

۹۰ بررسی سلسله‌مراتب نشان‌داری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

فاعلی/مفعولی، برایی (Nom/AccDat)	
فاعلی،مفعولی،برایی (NomAccDat)	
*فاعلی،مفعولی/برایی (*NomAcc/Dat)	غیر مجاز
*فاعلی،برایی/مفعولی (*Nom Dat /Acc)	

در بخش (۳) تغییرات الگوی حالت را در صرف ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی و در بخش (۴) تغییرات الگوی حالت را در صرف اسم این زبان‌ها بررسی می‌کنیم تا ببینیم آیا تغییرات صورت گرفته در الگوی حالت در گذر از ایرانی باستان تا زبان‌های ایرانی نو شمال غربی بر اساس الگوهای مجاز تغییر در حوزه‌ی حالت هست یا خیر؟ و این‌که هر کدام از زبان‌ها در صرف اسم و ضمیر در کدام الگوی تغییر قرار دارند؟

## ۲.۲ پیش‌بینی تمایزهای کاهنده

پیش‌بینی تمایزهای کاهنده بر اساس «پیش‌بینی دوم» اصل کاستن صورت‌ها است به این صورت که تعداد تمایزهای صرفی در مقوله بی‌نشان یا باید بیشتر از مقوله نشان‌دار باشد یا با آن برابر باشد. «در هر سلسله‌مراتبی، تعداد ویژگی‌های ترکیبی که ارجاعات را به جایگاه مشخصی در آن سلسله‌مراتب نسبت می‌دهند، منجر به تمایزات صرفی کمتر یا برابر در مراتب پایین‌تر سلسله‌مراتب می‌شوند (هاوکینز، ۲۰۰۴: ۶۶)». مثلاً در انگلیسی نو ضمیر مفرد در حالت فاعلی علاوه بر شمار مقوله جنس دستوری را نیز در خود دارند (he, she, it)، در حالی که در شکل جمع آن‌ها (they) تمایز جنس وجود ندارد. به عنوان مثالی دیگر می‌توان از اوستایی متأخر نام برد که در آن هم ضمیر مفرد سوم شخص و هم شکل جمع آن‌ها مقوله جنسیت را در خود داشته‌اند (رک. جدول ۲). هر دو نظام با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در تطابق هستند. آنچه که بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در زبان‌ها وجود ندارد عکس نظام موجود در انگلیسی است به این معنی که تعداد تمایزهای جنس دستوری در مقوله جمع بیشتر از مفرد باشد. به طور کلی، در هر زبانی، در سلسله‌مراتب شمار، تعداد تمایزهای صرفی در شمار مفرد باید یا بیشتر از شمار جمع باشد یا با آن برابر باشد، در سلسله‌مراتب حالت، تعداد تمایزهای صرفی در حالت فاعلی باید بیشتر از حالت مفعولی و برایی یا مساوی آنها باشد و در سلسله‌مراتب جنس، تعداد تمایزهای صرفی در جنس مذکر باید بیشتر یا برابر با سایر جنس‌های دستوری باشد، البته در بعضی از زبان‌ها جنس مونث بی‌نشان است (هاوکینز، ۲۰۰۴: ۷۲).

در ادامه مقاله پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده را به ترتیب در مقوله ضمیر (بخش ۳) و اسم (بخش ۴) زبان‌های ایرانی نو شمال غربی (از منظری در زمانی) بررسی می‌کنیم. البته برای پیش‌بینی تمایزهای کاهنده فقط ضمیر سوم شخص این زبان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد به این دلیل که تنها در این ضمائر است که می‌توان هر سه تمایز شمار، حالت، و جنس (در صورت وجود) را مشاهده کرد. شایان ذکر است از آنجا که از مادی باستان که نیای زبان‌های ایرانی نو شمال غربی است، متنی در دست نیست، جهت تکمیل بحث در زمانی، صرف اسم و ضمیر در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، پارتی و فارسی میانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. با وجود متعلق بودن اوستایی، فارسی باستان و فارسی میانه به دیگر شاخه‌های زبان‌های ایرانی، شباهت‌های زیادی در صرف اسم و ضمیر این زبان‌ها با زبان‌های ایرانی نو شمال غربی وجود دارد.

### ۳. پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، در سلسله‌مراتب شمار در گذر از ایرانی باستان تا زبان‌های ایرانی نو، حوزه شمار از سه شمار مفرد، جمع و مثنی به دو شمار مفرد و جمع کاهش یافته است و شمار مثنی با شمار جمع تلفیق شده است که مطابق پیش‌بینی فهرست صرفی است؛ چرا که شمار مثنی که پایین‌ترین مرتبه را در سلسله‌مراتب شمار دارد از بین رفته و با شمار جمع که کمتر از مثنی نشاندار است تلفیق شده است. در سلسله‌مراتب جنس، جنس خنثی در آن دسته از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی شامل تاتی، هورامی، زازاکی و کرمانجی که تمایز جنس دستوری را در صرف اسم و ضمیر حفظ کرده‌اند، به دو جنس مذکر و مونث تقلیل یافته و جنس خنثی از بین رفته است.

بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، در ضمیر سوم شخص زبان‌ها، در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس دستوری، تعداد تمایزهای صرفی در شمار مفرد، حالت فاعلی و جنس مذکر باید به ترتیب بیشتر از شمار جمع، حالت مفعولی و برایی و جنس مونث باشد یا با آنها مساوی آن باشد. به عبارت دیگر تعداد تمایزهای صرفی در مرتبه بی‌نشان هر سلسله‌مراتبی باید یا بیشتر از مرتبه نشاندار باشد یا با آن برابر باشد. حال ابتدا باید نظام ضمائر را در زبان‌های مذکور بررسی کنیم، سپس بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی مشخص کنیم آیا تغییرات الگوی حالت در زبان‌های ایرانی مطابق تغییرات مجاز در حوزه

۹۲ بررسی سلسله‌مراتب نشان‌داری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

حالت هست یا خیر؟ و بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزات صرفی در مقوله‌های بی‌نشان در سلسله‌مراتب شمار، جنس و حالت بیشتر از مقوله‌های نشاندار است، با آنها برابر است، یا کمتر از آنها است؟

### ۱.۳ اوستایی

جدول ۲ مربوط به صرف ضمیر سوم شخص (اشاره به نزدیک) در اوستایی متأخر است.

جدول (۲): صرف ضمیر اشاره به نزدیک در اوستایی متأخر (شرو، ۲۰۰۷: ۹۳۸)

		مذکر	مونث	خشی
مفرد	فاعلی	aēm	im	imat
	مفعولی	iməṃ	imam	imat
	برایی	ahmāi	aṇhāy	ahmāi
جمع	فاعلی	ime	imā	ima
	مفعولی	ima	imā	ima
	برایی	aēšam	aṇham	aēšam

طبق جدول (۲) الگوی حالت در ضمیر اشاره به نزدیک اوستایی متأخر به شکل Nom/Acc/Dat است، یعنی هر سه حالت صورت جداگانه دارند. در ضمیر اول شخص مفرد اوستایی متأخر، اول شخص جمع اوستایی باستان، دوم شخص مفرد اوستایی باستان و متأخر نیز الگوی حالت Nom/Acc/Dat است (شرو، ۲۰۰۷: ۹۳۶-۹۳۹).

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۲) در سلسله مراتب شمار، تعداد تمایزهای صوری (تمایزهای ترکیبی جنس و حالت) در شمار مفرد ۷ (aēm, im, imat, iməṃ, imam, ahmāi, aṇhāy) و در شمار جمع ۵ (ime, imā, aēšam, aṇham ima,) است.

در سلسله‌مراتب حالت، تعداد تمایزهای صوری (تمایزهای ترکیبی جنس و شمار) در حالت فاعلی ۶ (ima, imā, ime, imat, im, aēm)، در حالت مفعولی ۵ (imam, iməṃ, imat)، و در حالت برایی ۴ (ahmāi, aṇhāy, aēšam, aṇham) است. در سلسله‌مراتب جنس، تعداد تمایزهای صوری (تمایزهای ترکیبی حالت و شمار) در جنس مذکر ۶ (aēm)، و در جنس مونث ۵ (im, imam, aṇhāy, imā, aṇham) است. در جنس خشی ۴ عدد (imat, ahmāi, ima, aēšam) است.



جدول (۳): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اوستایی متأخر

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 7 5
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 6 54
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem ≥ Neut 654

طبق جدول ۳ در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس به ترتیب مفرد، فاعلی و مذکر بی‌نشان است و هر سه سلسله‌مراتب با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در تطابق هستند زیرا تعداد تمایزهای صوری در مقوله‌های بی‌نشان بیشتر از مقوله‌های نشاندار است.

### ۲.۳ فارسی باستان

جدول (۴) صرف ضمیر اشاره به نزدیک را در فارسی باستان نشان می‌دهد.

جدول (۴): صرف ضمیر اشاره به نزدیک در فارسی باستان (شرو، ۲۰۰۲:۹۵)

		مذکر	مونث	خنثی
مفرد	فاعلی	iyam	iyam	ima
	مفعولی	imam	imām	ima
	برایی	-	ahayāyā <sup>h</sup>	-
جمع	فاعلی	imaiy	imā	-
	مفعولی	imaiy	imā	-
	برایی	imaišām	-	-

طبق جدول (۴) الگوی حالت در ضمیر سوم شخص به شکل Nom/Acc/Dat است، یعنی هر سه حالت صورت جدا دارند. ضمیر اول شخص مفرد نیز در سه حالت فاعلی، مفعولی و برایی تصریف جدا دارد که باز هم الگوی حالت Nom/Acc/Dat است. در دیگر ضمائر شخصی به دلیل پیکره محدود زبانی، ساخت ضمائر ناقص است (شرو، ۲۰۰۷:۹۳۶-۹۳۸).

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۴)، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار، و جنس نشان می‌دهد که به ترتیب مفرد و مذکر بی‌نشان هستند اما در سلسله‌مراتب حالت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نقض شده که احتمالاً به دلیل پیکره ناقص زبانی است.

۹۴ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

جدول (۵): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در فارسی باستان

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 53
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 45 2
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem ≥ Neut 4 4 1

### ۳.۳ فارسی میانه

ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی فارسی میانه مانوی an و در پهلوی az است. چنانکه مشاهده می‌شود در نظام ضمائر فارسی میانه تنها در اول شخص مفرد تمایز حالت وجود دارد و در بقیه ضمائر تمایز حالت از بین رفته است.

جدول (۶): نظام ضمائر فارسی میانه (شرو، ۲۰۰۹:۲۰۸)

حالت	1s	2s	3s	1p	2p	3p
مستقیم	an	tō	ōy	amah	ašmāh	awīn
غیرمستقیم	man	tō	ōy	amah	ašmāh	awīn

طبق جدول ۶ الگوی حالت در ضمیر اول شخص مفرد فارسی میانه به شکل Nom/AccDat است. سایر ضمائر فارسی میانه تمایز حالت را از دست داده‌اند و الگوی حالت برای آنها به شکل NomAccDat است، به این معنی که در هر سه حالت این ضمائر به یک شکل می‌آیند.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، در ضمیر سوم شخص فارسی میانه، تمایز جنس و حالت از بین رفته است. طبق جدول (۶) تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار و حالت در فارسی میانه اینگونه است:

جدول (۷): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در فارسی میانه

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 1 1
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2

تعداد تمایزها در شمار مفرد و جمع برابر است (هر دو یک صورت را نشان می‌دهند) که با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیز مطابقت دارد؛ به این معنا که تعداد تمایزها در مقوله بی‌نشان (مفرد) با تعداد تمایزها در مقوله نشاندار (جمع) یکی است.

### ۴.۳ پارتی

در پارتی نیز مانند فارسی میانه در ضمیر اول شخص و احتمالاً در دوم شخص مفرد تمایز حالت حفظ شده است (شروو، ۲۰۰۹:۲۰۸) و در بقیه ضمائر تمایز حالت از بین رفته است. تمایز جنس نیز از بین رفته است.

جدول (۸): نظام ضمائر پارتی (شروو، ۲۰۰۹:۲۰۸)

حالت	1s	2s	3s	1p	2p	3p
مستقیم	az	*tu	hō	amah	ašmāh	hawīn
غیرمستقیم	man	tō	hō	amah	ašmāh	hawīn

طبق جدول (۸) الگوی حالت برای ضمیر اول شخص در پارتی به شکل Nom/AccDat و برای سایر ضمائر به شکل NomAccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر سوم شخص پارتی تعداد تمایزهای صوری نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۹): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در پارتی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur
	1 1
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2 2 2

### ۵.۳ تاتی جنوبی

در بررسی گویش‌های تاتی، صرف اسم و ضمیر را در گویش اشتهاردی که نسبت به سایر گویش‌ها تمایزات صرفی را بیشتر حفظ کرده است، آورده‌ایم:

جدول (۱۰): نظام ضمائر اشتهاردی

حالت	1s	2s	3s.m	3s.f	1p	2p	3p
مستقیم	az	tō	a	ā	camā	šemā	āhā
غیرمستقیم	cemen	eštā	ji	juā	camā	šemā	jiun

طبق جدول الگوی حالت در اشتهاردی به جز در اول شخص و دوم شخص جمع که به شکل NomAccDat است در سایر ضمائر به شکل Nom/AccDat است.

۹۶ بررسی سلسله‌مراتب نشان‌داری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده طبق جدول ۱۰، تعداد تمایزات صوری در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس نشان می‌دهد که به ترتیب مفرد، فاعلی و مذکر بی‌نشان است.

جدول (۱۱): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اشتهاردی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 4      2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 3      3      3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem 2      2

### ۶.۳ هورامی

در هورامی در ضمائر اول و دوم شخص تمایز حالت از بین رفته و تنها در ضمائر سوم شخص تمایز حالت به جا مانده است.

جدول (۱۲): ضمائر شخصی در هورامی (مکنزی، ۱۹۶۶:۲۴)

حالت	1s	2s	3s.m	3s.f	1p	2p	3p
مستقیم	mīn	to	āḍ	āḍ-a	emá	šīmá	āḍ-e
غیرمستقیم	mīn	to	āḍ-i	āḍ-e	emá	šīmá	āḍiš-ā

طبق جدول (۱۲) شکل ضمیر سوم شخص در حالت مفعولی/برایی و فاعلی متفاوت است. الگوی حالت در ضمائر اول و دوم شخص مفرد و جمع به شکل NomAccDat و در ضمائر سوم شخص مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۱۲)، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس نشان می‌دهد که به ترتیب مفرد، فاعلی و مذکر بی‌نشان است.

جدول (۱۳): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در هورامی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 4      2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 3      3      3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem 2      2

## ۷.۳ زازاکی

در زازاکی به استثنای ضمائر اول شخص و دوم شخص جمع در بقیه ضمائر تمایز حالت حفظ شده است.

جدول (۱۴): نظام ضمائر زازاکی (تاد، ۲۰۰۸: ۴۴-۴۵؛ پاول، ۲۰۰۹: ۵۵۱)

حالت	1s	2s	3sm	3s.f	1p	2p	3p
مستقیم	ez	ti	o	ā	mā	šimā	ē
غیرمستقیم	min	to	ey	āy	mā	šimā	īnān

طبق جدول ۱۴، الگوی حالت در ضمائر اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد و جمع به صورت Nom/AccDat است و در ضمائر اول شخص و دوم شخص جمع به صورت NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۱۴)، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس نشان می‌دهد که به ترتیب مفرد، فاعلی و مذکر بی‌نشان است.

جدول (۱۵): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتبها در زازاکی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 4 2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 3 3 3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem 2 2

## ۸.۳ کرمانجی

نظام ضمائر کرمانجی تمایز حالت را در همه ضمائر نشان می‌دهد و از این لحاظ کرمانجی بیشترین تمایز حالت را در مقوله ضمیر نسبت به سایر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی حفظ کرده است.

جدول (۱۶): نظام ضمائر کرمانجی (تاکستون، ۲۰۰۶: ۱۷)

حالت	1s	2s	3sm	3s.f	1p	2p	3p
مستقیم	ez	tu	ew	ew	em	hun	ew
غیرمستقیم	min	te	wî	wê	me	we	wan

۹۸ بررسی سلسله‌مراتب نشان‌داری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

طبق جدول (۱۶)، الگوی حالت در همه ضمایر به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۱۶)، تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار و جنس نشان می‌دهد که مفرد و مذکر بی‌نشان است. اما در سلسله‌مراتب حالت تعداد تمایزهای صوری در حالت فاعلی کمتر از دو حالت دیگر است که مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست.

جدول (۱۷): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در کرمانجی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 3 1
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 3 3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem 2 2

### ۹.۳ گیلکی

ضمایر شخصی در گیلکی به دو دسته فاعلی و مفعولی/برایی تقسیم می‌شوند (استیلو، ۱۹۹۲: ۶۶۶؛ راستورگویوا، ۲۰۱۲: ۸۳-۸۷). در ضمیر گیلکی تمایز جنس وجود ندارد.

جدول (۱۸): نظام ضمایر گیلکی (استیلو، ۱۹۹۲: ۶۶۶)

فاعلی		مفعولی	
غربی	شرقی	غربی	شرقی
mən	mu	mə'ra	mæ
tu	tu	tə'ra	tæ
a	u	ána	únæ
ama(n)	amo	amá-ra	amá-ra
šuman	šemu	šumā-ra	šamá-ra
ašan	ušon	ašán-a	ašón-a

طبق جدول (۱۸) الگوی حالت در همه ضمایر گیلکی به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صوری در عناصر موجود در حوزهای شمار و حالت برابر است که مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

جدول (۱۹): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در گیلکی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2

## ۱۰.۳ مازندرانی

ضمایر شخصی در مازندرانی به دو دسته فاعلی و مفعولی / برای تقسیم می‌شوند (استیلو، ۲۰۰۹: ۶).

جدول (۲۰): نظام ضمایر مازندرانی (استیلو، ۲۰۰۹: ۶)

حالت	1s	2s	3s	1p	2p	3p
فاعلی	men	te	ve	āmā, emā	šemā	vešun
مفعولی / برای	me-re	te-re	ve-re	āmā-re	šemā-re	vešun-re

در مازندرانی نیز الگوی حالت در همه ضمایر به شکل Nom/AccDat است. در مازندرانی نیز تمایز جنس از بین رفته و ضمایر شخصی تنها تمایز حالت را نشان می‌دهند. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صوری در عناصر موجود در حوزهای شمار و حالت برابر است که مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

جدول (۲۱): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در مازندرانی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2

## ۱۱.۳ تالشی

ضمایر شخصی در تالشی در دو حالت مستقیم و غیرمستقیم می‌آیند اما تمایز حالت را فقط می‌توان در اول شخص مفرد و ضمایر سوم شخص مفرد و جمع دید. در بقیه ضمایر تمایز حالت از بین رفته است.

جدول (۲۲): نظام ضمایر در گویش‌های تالشی (۲۰۱۱: ۸۱)

	حالت مستقیم			حالت غیرمستقیم		
	شمالی	مرکزی	جنوبی	شمالی	مرکزی	جنوبی
1s	âz	az	az	mā(n)/ mǎnə	mən	mə(n)
2s	tə	tə	tə	tə	tə	tə
3s	av	a	a	ave	ai	ai
1p	ama	ama	ama	ama	ama	ama
2p	šəma	šəma	šəma	šəma	šəma	šəma

۱۰۰ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

3P	avun/avün	ae	aven	avun/avün	amun	avun
----	-----------	----	------	-----------	------	------

طبق جدول (۲۲) می‌توان نتیجه گرفت الگوی حالت در تالشی در ضمیر اول شخص مفرد و ضمایر سوم شخص مفرد همه گویش‌ها و ضمایر سوم شخص جمع در گویش مرکزی و جنوبی به شکل Nom/AccDat و در سایر ضمایر شخصی به شکل NomAccDat است. در ضمیر سوم شخص جمع‌تالشی شمالی الگوی حالت به شکل NomAccDat است.

در تالشی نیز ضمایر شخصی تنها تمایز حالت را نشان می‌دهند و تمایز جنس از بین رفته است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، جدول مربوط به تمایزهای صرفی در تالشی جنوبی و مرکزی نشان از رعایت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده دارد.

جدول (۲۳): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در تالشی مرکزی و جنوبی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur
	2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2 2 2

در تالشی شمالی از آنجا که تمایز حالت در شمار جمع از بین می‌رود، تعداد تمایزهای صرفی در شمار مفرد ۲ عدد و در شمار جمع ۱ عدد است.

### ۱۲.۳ بلوچی

صرف همه ضمایر شخصی در گویش‌های بلوچی در حالت مفعولی و برایی یکی است (جهانی، ۲۰۰۳: ۱۱۸).

جدول (۲۴): نظام ضمایر بلوچی (جهانی، ۲۰۰۳: ۱۱۸)

		1	2	3
مفرد	فاعلی	man	taw/ta	ē, ā
	مفعولی / برایی	manā/mnā	tarā	ešīrā, āirā
جمع	فاعلی	mā	šumā	ē, ā
	مفعولی / برایی	mārā	šumārā	ešān(ā), āwān(ā)/āyān(ā)/āhān(ā)

در همه ضمایر بلوچی الگوی حالت به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار حاکی از رعایت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است، اما در سلسله‌مراتب حالت، تمایزهای صوری در حالت فاعلی کمتر از دو حالت دیگر است که مطابق این پیش‌بینی نیست.



محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۰۱

جدول (۲۵): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در بلوچی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 2 2

### ۱۳.۳ سورانی

تمایز حالت در همه ضمائر از بین رفته است. در کلهری نیز تمایز حالت در همه ضمائر از بین رفته است (هیگ، ۲۰۰۸: ۱۴۲).

جدول (۲۶): نظام ضمائر سورانی (هیگ، ۲۰۰۸: ۲۸۰)

حالت	1s	2s	3s	1p	2p	3p
Dir/Obl	mīn	tō	aw, am	ēma	ēwa	awān

طبق جدول الگوی حالت در همه ضمائر به شکل NomAccDat است.

در ضمیر سوم شخص، تمایز جنس و حالت از بین رفته است. بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۲۶)، نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۲۷): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در سورانی و کلهری

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 1 1
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2

تعداد تمایزها در شمار مفرد و جمع برابر است که با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده مطابقت دارد.

### ۳-۱۴ - خلاصه پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، تغییرات الگوی حالت در مقوله ضمیر زبان‌های ایرانی بر اساس ترتیب مجاز الگوی حالت قابل تبیین است و هیچکدام از زبان‌های ایرانی از الگوهای مجاز تغییر در حوزه‌ی حالت (Nom/Acc/Dat)؛

۱۰۲ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

Nom/AccDat؛ Nom/AccDat) تخطی نکرده‌اند. جدول (۲۸) الگوهای حالت را در مقوله ضمیر در زبان‌های ایرانی شمال غربی نشان می‌دهد.

جدول (۲۸): الگوهای حالت در مقوله ضمیر در زبان‌های ایرانی شمال غربی

	Nom/Acc/Dat	Nom/AccDat		NomAccDat
1s	اوستایی متاخر، فارسی باستان	فارسی میانه، پارسی، گیلکی، مازندرانی، تالشی، تاکستانی، بلوچی، کرمانجی، زازاکی		هورامی، سورانی، کلهری
2s	اوستایی باستان و متاخر	گیلکی، مازندرانی، تاکستانی، بلوچی، کرمانجی، زازاکی		فارسی میانه، پارسی، سورانی، کلهری، هورامی، تالشی
3s.m	اوستایی باستان و متاخر	تاکستانی، هورامی، کرمانجی، زازاکی	گیلکی، مازندرانی، تالشی، بلوچی	فارسی میانه، پارسی، سورانی، کلهری
3s.f	اوستایی باستان و متاخر	تاکستانی، هورامی، کرمانجی، زازاکی		
1p	اوستایی باستان	گیلکی، مازندرانی، بلوچی، کرمانجی		فارسی میانه، پارسی، سورانی، کلهری، هورامی، تالشی، زازاکی، تاکستانی
2p	-	گیلکی، مازندرانی، بلوچی، کرمانجی		فارسی میانه، پارسی، سورانی، کلهری، هورامی، تالشی، زازاکی، تاکستانی
3p	اوستایی باستان و متاخر	گیلکی، مازندرانی، بلوچی، کرمانجی، هورامی، زازاکی، تالشی مرکزی و جنوبی، تاکستانی		فارسی میانه، پارسی، سورانی، کلهری، تالشی شمالی

بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی را در ضمیر سوم شخص زبان‌های ایرانی شمال غربی از منظری در زمانی بررسی کردیم. در سلسله‌مراتب شمار، داده‌های همه زبان‌ها حاکی از بی‌نشان بودن شمار مفرد و نشاندار بودن شمار جمع است به این معنا که تعداد تمایزهای جنس و حالت در همه زبان‌ها یا در شمار مفرد بیشتر از شمار جمع است یا در هر دو برابر است (جدول ۲۹ و ۳۰). در سلسله‌مراتب حالت بجز در فارسی باستان (احتمالاً به دلیل پیکره ناقص زبانی)، کرمانجی و بلوچی که تعداد تمایزهای ترکیبی در حالت فاعلی کمتر است، در بقیه زبان‌ها تعداد تمایزهای شمار و جنس (در

محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۰۳

صورت وجود) در حالت فاعلی بیشتر از حالت مفعولی و برایی یا مساوی آنها است. در سلسله‌مراتب جنس تعداد تمایزهای ترکیبی شمار و حالت یا در جنس مذکر بیشتر است (اوستایی متأخر) یا در جنس مذکر و مونث مساوی است (سایر زبان‌ها) که نشان می‌دهد در سلسله‌مراتب جنس، جنس مذکر بی‌نشان است (جدول ۲۹). در میان زبان‌های مورد مطالعه، اوستایی‌متأخر بیشترین تمایز جنس و حالت را نشان می‌دهد.

جدول زیر تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌های شمار، حالت و جنس را در زبان‌های دارای جنس دستوری نشان می‌دهد:

جدول (۲۹): بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر سوم شخص زبان‌های ایرانی شمال غربی دارای جنس

تمایز شمار و حالت در جنس	تمایز جنس و شمار در حالت	تمایز حالت و جنس در شمار	
Masc ≥ Fem ≥ Neut	Nom ≥ Acc ≥ Dat	Sing ≥ Plur	
۶۵۴	۶۵۴	۷۵	اوستایی متأخر
۴۴۱	۴۵۲	۵۳	فارسی باستان
۲۲	۳۳۳	۴۲	هورامی، زازاکی، اشتهاردی
۲۲	۱۳۳	۳۱	کرمانجی

جدول (۳۰) تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب شمار و حالت را در زبان‌های بدون جنس دستوری نشان می‌دهد:

جدول (۳۰): بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر سوم شخص زبان‌های ایرانی شمال غربی بدون جنس

تمایز شمار در حالت	تمایز حالت در شمار	
Nom ≥ Acc ≥ Dat	Sing ≥ Plur	
۲ ۲ ۲	۲۲	گیلکی، مازندرانی، تالشی مرکزی و جنوبی
۲۲۲	۲۱	تالشی شمالی
۱۲۲	۲۲	بلوچی
۲۲۲	۱۱	فارسی میانه، پارتی، سورانی و کلهری

۱۰۴ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

#### ۴- بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی و تمایزهای کاهنده در مقوله اسم زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

در این بخش پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده را در صرف اسم زبان‌های ایرانی نو شمال غربی بررسی می‌کنیم. ابتدا باید صرف اسم را در زبان‌های مذکور بررسی کنیم، سپس بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی مشخص کنیم آیا تغییرات الگوی حالت در زبان‌های ایرانی مطابق تغییرات مجاز در سلسله‌مراتب‌حالت هست یا خیر؟ و بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، آیا تعداد تمایزات صرفی در مقوله‌های بی‌نشان در حوزه‌های شمار، جنس و حالت بیشتر از مقوله‌های نشاندار، مساوی یا کمتر از آنها است. البته باید توجه داشت که زبان‌های میانه و زبان‌های نو‌گرایش به سمت تحلیلی شدن پیدا کرده‌اند و در بیشتر موارد برای نشان دادن حالت برایی از حروف اضافه استفاده می‌کنند. با این حال می‌توان مواردی را در پیکره این زبان‌ها یافت که در آن حالت برایی با همان نشانه‌ای به کار رفته که اسم در حالت مفعولی می‌گیرد، و یا اسم نه در حالت مفعولی و نه در حالت برایی نشانه حالت نمی‌گیرد.

#### ۴-۱- اوستایی متأخر

جدول (۳۱) صرف اسم‌های مذکر مختوم به -a، اسم‌های مونث مختوم به -ā، و اسم‌های خنثی مختوم به -h را در اوستایی متأخر نشان می‌دهد (شرو، ۲۰۰۷: ۹۲۳-۹۳۱؛ رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۸: ۶۶).

جدول (۳۱): صرف اسم‌های مذکر مختوم به -a، اسم‌های مونث مختوم به -ā، و اسم‌های خنثی مختوم به -h

مفرد			جمع			
مذکر	مونث	خنثی	مذکر	مونث	خنثی	
فاعلی	-ō	-a	-ō	-a, -aṇho	-ā	-ā
مفعولی	-əm	-am	-ō	-a	-ā	-ā
برایی	-āi	-aiiāi	-aṇhe	-aē'biio	-ābiio	-əbiio

طبق جدول (۳۱)، صرف اسم اوستایی متأخر در حالت‌های فاعلی، مفعولی و برایی متفاوت است، بنابراین الگوی حالت به شکل Nom/Acc/Dat است.

محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۰۵

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده طبق جدول (۳۱)، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم اوستایی متأخر نشان می‌دهد که تعداد تمایزها در حوزه‌ی شمار و جنس رعایت شده اما در حوزه‌ی حالت رعایت نشده است.

جدول (۳۲): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم اوستایی متأخر

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur
	7      6
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	4      5      6
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem ≥ Neut
	6      5      4

#### ۴-۲- فارسی باستان

در فارسی باستان نیز مانند اوستایی متأخر صرف اسم در حالت‌های فاعلی، مفعولی و برایی متفاوت است.

جدول (۳۳)، صرف اسم‌های مذکر مختوم به -a، اسم‌های مونث مختوم به -ā، و اسم‌های خنثی مختوم به -h در فارسی باستان نشان می‌دهد (شرو، ۲۰۰۷: ۹۲۳-۹۳۱؛ رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸: ۶۷)

مفرد			جمع			
	مذکر	مونث	خنثی	مذکر	مونث	خنثی
فاعلی	-a	-ā	-ā	-ā, -āha	-ā	-
مفعولی	-am	-ām	-am	-ā	-ā	-
برایی	-ahyā	-āyā	-	-ānām	-ānām	-

طبق جدول (۳۳) الگوی حالت در صرف اسم فارسی باستان به شکل Nom/Acc/Dat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۳۳)، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم فارسی باستان نشان می‌دهد که در حوزه‌ی حالت، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت نشده است. (البته وقتی که پسوند اسم جمع مذکر را در حالت فاعلی -āha در نظر بگیریم تعداد تمایزهای صرفی در جنس مذکر ۶ و حالت فاعلی ۳ عدد می‌شود، که در این صورت در سلسله‌مراتب حالت تخطی صورت نگرفته است).

جدول (۳۴): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم فارسی باستان

۱۰۶ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur
	6      4
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2      3      3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem ≥ Neut
	6      5      2

#### ۴-۳- پارتی و فارسی میانه

صرف اسم در دوره میانه زبان‌های ایرانی غربی از سه مرحله می‌گذرد (هیگ، ۲۰۰۸:۱۰۰):  
- در مراحل آغازی نظام حالت به این شکل بوده است:

جدول (۳۵): صرف اسم در مرحله اول ایرانی میانه غربی

حالت	مفرد	جمع
مستقیم	-∅	-∅
غیرمستقیم	*-ē	-ān

متنی در دست نیست که صرف اسم را در این مرحله نشان دهد (هیگ، ۲۰۰۸:۱۰۰).  
می‌توان نتیجه گرفت در مراحل آغازی پارتی و فارسی میانه (مرحله اول)، که متنی از آن در دست نیست، الگوی حالت در هر دو شمار مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است.  
طبق جدول (۳۵)، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در مرحله اول به این شکل است:

جدول (۳۶): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم ایرانی میانه غربی\_ مرحله اول

تمایز حالت	Sing ≥ Plur
	2      2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	1      2      2

تعداد تمایزها در حوزه‌ی حالت مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست چرا که تعداد تمایزهای صرفی در مقوله نشاندار بیشتر از مقوله بی‌نشان است.

- در مرحله دوم در فارسی میانه و پارتی، تمایز حالت از بین می‌رود و تنها در حالت غیرفاعلی در شمار جمع (-ān) به جای می‌ماند (شروو، ۲۰۰۹:۲۰۵).

جدول (۳۷): صرف اسم در مرحله دوم ایرانی میانه غربی

حالت	مفرد	جمع
مستقیم	-∅	-∅
غیرمستقیم	-∅	-ān

محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۰۷

در مرحله دوم الگوی حالت در شمار مفرد به صورت NomAccDat و در شمار جمع به صورت Nom/AccDat است که از نظر رده‌شناختی استثناء به شمار می‌آید چرا که شمار جمع تمایز حالت را نشان می‌دهد اما در شمار مفرد تمایز حالت دیده نمی‌شود. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۳۷)، تمایزهای صرفی در حوزه‌ی شمار و حالت مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست:

جدول (۳۸): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم ایرانی میانه غربی - مرحله دوم

تمایز حالت	Sing $\geq$ Plur	
	1	2
تمایز شمار	Nom $\geq$ Acc $\geq$ Dat	
	1	2 2

- در مرحله آخر تمایز حالت مستقیم و غیرمستقیم در شمار جمع از بین می‌رود و پسوند -ān که در اصل نشانه حالت غیرمستقیم در شمار جمع بود به نشانه جمع تبدیل می‌شود.

جدول (۳۹): صرف اسم در مرحله سوم ایرانی میانه غربی

حالت	مفرد	جمع
مستقیم	-∅	-ān
غیرمستقیم	-∅	-ān

در مرحله سوم که تمایز حالت از بین رفته الگوی حالت در اسامی مفرد و جمع به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۳۹)، تعداد تمایزهای صرفی در سلسله‌مراتب حالت و شمار حاکی از رعایت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

جدول (۴۰): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم ایرانی میانه غربی - مرحله سوم

تمایز حالت	Sing $\geq$ Plur	
	1	1
تمایز شمار	Nom $\geq$ Acc $\geq$ Dat	
	222	

#### ۴-۴-۴ تاتی

جدول (۴۱) صرف اسم را در گویش اشتهاردی نشان می‌دهد.

جدول (۴۱): صرف اسم در اشتهاردی (یارشاطر، ۱۹۶۹: ۷۹)

۱۰۸ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

		مذکر	مونث
مفرد	Dir.	-	-a
	Obl.	-e	-ā
جمع	Dir.	-ehā	
	Obl.	-u' (n)	

طبق جدول، الگوی حالت در اسم‌های مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم اشتهااردی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۴۲): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم اشتهااردی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur
	4      2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	3      3      3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem
	2      2

#### ۴-۵- هورامی

در مقوله اسم در هورامی شمار مفرد تمایز جنس را نشان می‌دهد اما در شمار جمع تمایز جنس وجود ندارد.

جدول (۴۳): صرف اسم در هورامی (مکنزی، ۱۹۶۶:۱۴)

		مذکر	مونث
مفرد	Dir	-	-a
	Obl	-i	-e
جمع	Dir	-e	
	Obl	-ā	

طبق جدول (۴۳)، الگوی حالت در اسم‌های مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، با توجه به جدول (۴۳)، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم هورامی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۴۴): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم هورامی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur
	4      2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	3      3      3



محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۰۹

تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem
	2 2

#### ۴-۶- زازاکی

در اسم زازاکی، شمار مفرد تمایز جنس را نشان می‌دهد اما در شمار جمع تمایز جنس وجود ندارد.

جدول (۴۵): صرف اسم در زازاکی (تاد، ۲۰۰۸:۳۹)

	masc.	fem.
Dir	-∅	-∅
Obl	-ī	-er
Dir	-ī	
Obl	-ān	

طبق جدول (۴۵) تصریف اسم در حالت فاعلی متفاوت از حالت مفعولی و برایی است در نتیجه الگوی حالت به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۴۵)، تعداد تمایزهای صرفی سلسله مراتب در اسم زازاکی نشان می‌دهد که بجز در حوزه‌ی حالت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است:

جدول (۴۶): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم زازاکی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur
	3 2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2 3 3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem
	2 2

#### ۴-۷- کرمانجی

در صرف اسامی مفرد کرمانجی، در حالت مستقیم، تمایز حالت و جنس وجود ندارد در حالیکه در حالت غیرمستقیم، در شمار مفرد تمایز حالت و جنس مشاهده می‌شود که از نظر رده‌شناختی استثناء به شمار می‌آید.

جدول (۴۷): صرف اسم در کرمانجی (هیگ، ۲۰۰۸:۲۰۷)

	مذکر	مونث	جمع
Dir	-∅	-∅	-∅
Obl	-ī, -∅, umlaut	-ē	- a(n)

۱۱۰ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

با توجه به داده‌های فوق‌الگوی حالت در کرمانجی به شکل Nom/AccDat است. البته در جایی که اسم مذکر در حالت غیر فاعلی نشانه حالت نمی‌گیرد الگوی حالت به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول (۴۷)، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم کرمانجی نشان می‌دهد که بجز در حوزه‌ی حالت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است:

جدول (۴۸): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم کرمانجی

تمایز جنس و حالت	Sing ≥ Plur 3 2
تمایز جنس و شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 3 3
تمایز حالت و شمار	Masc ≥ Fem 2 2

#### ۴-۸- گیلکی

در گیلکی، صرف اسم در حالت فاعلی متفاوت از حالت مفعولی و برایی است.

جدول (۴۹): صرف اسم در گیلکی (راستورگوییوا، ۵۶:۲۰۱۲)

حالت	مفرد	جمع
فاعلی	-	ân
مفعولی	-a	ân-a
برایی		

الگوی حالت در صرف اسم گیلکی طبق جدول (۴۹)، همانند الگوی حالت در ضمائر به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم گیلکی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۵۰): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم گیلکی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2

## ۴-۹- مازندرانی

در مازندرانی، صرف اسم در حالت فاعلی متفاوت از حالت مفعولی و برایی است (استیلو، ۲۰۰۹).

جدول (۵۱): صرف اسم در مازندرانی (استیلو، ۲۰۰۹)

حالت	مفرد	جمع
فاعلی	-	-un
مفعولی/برایی	-(r)e	un-(r)e

طبق جدول (۵۱) الگوی حالت در مازندرانی، در اسم‌ها همانند ضمائر به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم‌نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۵۲): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم مازندرانی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur
	2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2 2 2

## ۴-۱۰- تالشی

جدول (۵۳): صرف اسم merd «مرد» در تالشی (پاول، ۲۰۱۱: ۶۷)

	گوش	مستقیم	غیرمستقیم
مفرد	شمالی	merd	merd-ə
	مرکزی	merd	merd-i
	جنوبی	merd	merd-i
جمع	شمالی	merd-un/-ün/-ân	
	مرکزی	merd-e	merd-un/-mun
	جنوبی	merd-e	merd-ân

الگوی حالت در اسم مفرد در گوش‌های تالشی به صورت Nom/AccDat است. در اسم جمع الگوی حالت در گوش جنوبی و مرکزی به صورت Nom/AccDat و در گوش شمالی به صورت Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول

۱۱۲ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

(۵۵)، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم گویش‌های مرکزی و جنوبی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است:

جدول (۵۴): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم گویش‌های مرکزی و جنوبی تالشی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur
	2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2 2 2

در گویش‌های مرکزی و جنوبی تالشی، صرف اسم در هر دو سلسله‌مراتب شمار و حالت، تمایزات صرفی برابر را در مقوله بی‌نشان و نشاندار نشان می‌دهد که مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در اسم گویش شمالی تالشی، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول (۵۵): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم گویش شمالی تالشی

تمایز حالت	Sing ≥ Plur
	2 1
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat
	2 2 2

#### ۴-۱۱- بلوچی

جهانی (۱۱۸:۲۰۰۳) نظام صرف اسم پایه را در گویش‌های جنوبی و غربی بلوچی به این شکل آورده است. اسم در حالت فاعلی جمع نشانه‌ای ندارد.

جدول (۵۶): صرف اسم در بلوچی (جهانی، ۱۱۸:۲۰۰۳)

	مفرد	جمع
فاعلی	-Ø	-Ø
مفعولی / برایی	-ā/rā	-ān/ā

طبق جدول (۵۶)، الگوی حالت در بلوچی به صورت Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم بلوچی نشان می‌دهد که در حوزه حالت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت نشده است.

جدول (۵۷): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم بلوچی

محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۱۳

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 2 2
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 2 2

#### ۴-۱۲- سورانی و کلهری

در سورانی و کلهری تصریف اسم از بین رفته و تنها تمایز شمار در اسم باقی مانده است.

جدول (۵۸) صرف اسم در سورانی و کلهری

	مفرد	جمع
Dir, Obl	∅	-ān, eyl <sup>1</sup>

الگوی حالت به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی، با توجه به جدول (۵۶)، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم‌سورانی و کلهری مطابق پیش‌بینی فهرست صرفی است.

جدول (۵۹): تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم سورانی و کلهری

تمایز حالت	Sing ≥ Plur 1 1
تمایز شمار	Nom ≥ Acc ≥ Dat 222

#### ۴-۱۳- خلاصه پیش‌بینی فهرست صرفی و تمایزهای کاهنده در مقوله اسم در زبان‌های ایرانی شمال غربی

با توجه به آنچه گفته شد بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، تغییرات الگوی حالت در مقوله اسم زبان‌های ایرانی، همانند مقوله ضمیر بر اساس ترتیب مجاز الگوی حالت قابل تبیین است و هیچکدام از زبان‌های ایرانی مورد مطالعه در این تحقیق از الگوهای مجاز تغییر در الگوی حالت (NomAccDat; Nom/AccDat; Nom/Acc/Dat) تخطی نکرده‌اند (جدول ۶۰).

جدول (۶۰): الگوهای حالت در مقوله اسم زبان‌های ایرانی شمال غربی

	Nom/Acc/Dat	Nom/AccDat	NomAccDat
مفرد	اوستایی متأخر، فارسی باستان	ایرانی میانه غربی (مرحله اول)، گیلکی، مازندرانی، تالشی، اشتهاردی، بلوچی، هورامی،	ایرانی میانه غربی (مرحله دوم و سوم) سورانی و کلهری

## ۱۱۴ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

		کرمانجی، زازاکی	
جمع	اوستایی متأخر، فارسی باستان	ایرانی میانه غربی (مرحله اول و دوم) گیلکی، مازندرانی، تالشی جنوبی و مرکزی، اشتهاردی، بلوچی، هورامی، کرمانجی، زازاکی	ایرانی میانه غربی (مرحله سوم)، تالشی شمالی، سورانی، کلهری

بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، در سلسله‌مراتب شمار به استثناء صرف اسم در مرحله دوم ایرانی میانه غربی که تمایزهای صرفی در شمار مفرد کمتر از شمار جمع است، داده‌های سایر زبان‌ها حاکی از وجود تمایزات صرفی برابر یا بیشتر در شمار مفرد (مقوله بی‌نشان) است (جدول ۶۱ و ۶۲). در سلسله‌مراتب حالت در زبان‌های اوستایی متأخر، فارسی باستان، مرحله اول و دوم ایرانی میانه غربی، زازاکی، کرمانجی و بلوچی تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کمتر از حالت مفعولی و برایی است که منطبق بر پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست. در سایر زبان‌ها تمایزهای صرفی در حالت فاعلی یا بیشتر از حالت مفعولی و برایی است یا با آنها برابر است. داده‌های همه زبان‌ها در سلسله‌مراتب جنس نشان می‌دهد که جنس مذکر نسبت به جنس مونث و جنس خنثی (در ایرانی باستان) بی‌نشان‌تر است به این معنی که یا تعداد تمایزات صرفی در جنس مذکر بیشتر است (اوستایی متأخر، فارسی باستان، بعضی از گویش‌های تاتی)، یا تعداد تمایزات صرفی در هر دو جنس برابر است (هورامی، زازاکی، اشتهاردی، کرمانجی) (جدول ۶۱). صرف اسم در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس در زبان‌های دارای جنس دستوری به شکل زیر است:

جدول (۶۱): بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در مقوله اسم زبان‌های ایرانی شمال غربی دارای جنس دستوری

تمایز حالت و جنس در شمار	تمایز جنس و شمار در حالت	تمایز شمار و حالت در جنس	
Sing ≥ Plur	Nom ≥ Acc ≥ Dat	Masc ≥ Fem ≥ Neut	
۷۶	۴۵۶	۶۵۴	اوستایی متأخر
۶۴	۲۳۳	۲۶۵	فارسی باستان
۴۲	۳۳۳	۲۲	اشتهاردی، هورامی
۳۲	۲۳۳	۲۲	زازاکی
۳۲	۱۳۳	۲۲	کرمانجی

محمد راسخ‌مهند و مسعود محمدی‌راد ۱۱۵

صرف اسم در سلسله‌مراتب شمار و حالت در زبان‌های بدون جنس دستوری در جدول (۶۲) آمده است:

جدول (۶۲): بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در مقوله اسم زبان‌های ایرانی شمال غربی بدون جنس دستوری

تمایز شمار در حالت Nom $\geq$ Acc $\geq$ Dat	تمایز حالت در شمار Sing $\geq$ Plur	
۲۲۲	۲۲	گیلکی، مازندرانی، تالشی مرکزی و جنوبی
۱۲۲	۲۲	مرحله اول ایرانی میانه غربی، بلوچی
۲۲۲	۲۱	تالشی شمالی
۱۲۲	۱۲	مرحله دوم ایرانی میانه غربی
۲۲۲	۱۱	مرحله ۳ ایرانی میانه غربی، سورانی و کلهری

## ۶- نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان نتیجه گرفت بر اساس اصل کاربرد بنیاد کاستن صورتها و دو پیش‌بینی آن یعنی پیش‌بینی فهرست صرفی و تمایزهای کاهنده می‌توان موارد نشاننداری را در زبانهای شمال غربی تبیین کرد البته استثنائاتی نیز وجود دارد که مربوط به سلسله‌مراتب حالت در این زبانهاست.

بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی در مقوله ضمیر و اسم زبان‌ها نشان می‌دهد که تغییرات الگوی شمار، حالت و جنس منطبق بر تغییرات مجاز در پیش‌بینی فهرست صرفی بوده است؛ به این معنی که تلفیق حالت و شمار در مراتب پایین سلسله‌مراتب بوده است و در سلسله‌مراتب جنس، جنس خنثی از بین رفته است.

بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف ضمیر سوم شخص زبان‌های مذکور نشان می‌دهد که در سلسله‌مراتب شمار، داده‌های همه زبان‌ها حاکی از بی‌نشان بودن شمار مفرد و نشاندار بودن شمار جمع است به این معنا که تعداد تمایزهای جنس و حالت یا در شمار مفرد بیشتر از شمار جمع است یا در هر دو برابر است. در سلسله‌مراتب حالت بجز در

فارسی باستان (احتمالاً به دلیل پیکره ناقص زبانی) بلوچی و کرمانجی که تعداد تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کمتر، در بقیه زبان‌ها تعداد تمایزهای شمار و جنس (در صورت وجود) در حالت فاعلی بیشتر از حالت مفعولی و برایی است. در سلسله‌مراتب جنس تعداد تمایزهای ترکیبی شمار و حالت یا در جنس مذکر بیشتر است (اوستایی متأخر) یا در جنس مذکر و مونث مساوی است (سایر زبان‌ها) که نشان می‌دهد در سلسله‌مراتب جنس، جنس مذکر بی‌نشان است.

بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف اسم زبان‌های مذکور نشان می‌دهد که در سلسله‌مراتب شمار بجز در صرف اسم در مرحله دوم ایرانی میانه غربی تمایزهای صرفی در سایر زبان‌ها در شمار مفرد یا بیشتر از شمار جمع است یا با آن برابر است. در سلسله‌مراتب حالت در زبان‌های اوستایی متأخر، فارسی باستان، زازاکی، کرمانجی، مراحل اول و دوم ایرانی میانه غربی و بلوچی تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کمتر از حالت‌های مفعولی و برایی است اما در سایر زبان‌ها تمایزات صرفی در حالت فاعلی بیشتر از یا برابر با حالت غیرفاعلی است. در سلسله‌مراتب جنس در زبان‌هایی که تمایز جنس دارند، تمایزات صرفی در جنس مذکر یا بیشتر از جنس مونث است یا با آن برابر است که نشان می‌دهد جنس مذکر بی‌نشان است.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد با استفاده از اصول کاربرد-بنیاد که مورد توجه نقش‌گرایان است می‌توان تغییرات زبانی و نشاننداری در صرف را در عواملی نظیر راحتی پردازش، پیچیدگی و کارایی یافت.

## پی‌نوشت

۱- نشانه جمع در کلهری

## فهرست منابع

رضایی باغ‌بیدی، حسن. (۱۳۸۱). *دستور زبان پارسی (پهلوی اشکانی)*. تهران: نشر آثار \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

Arkadiev, P. (2004). "Two-term case system in the Indo-Iranian languages: a typological perspective." Paper held at LECNA 2, 11-14.05.2004, State University of Kazan, Tataristan.



- Axenov, S. (2006). *the Balochi Language of Turkmenistan. a corpus-based grammatical description*. Uppsala Universitet: Acta Universitatis Upsaliensis.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*—2<sup>nd</sup> ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir -Moghaddam, M. (2006). “Internal and External Forces in Typology: Evidence from Iranian Languages.” *Journal of Universal Language*, vol. 7, 29-47.
- Greenberg, M. 1963. “Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements.” *In J. Greenberg (ed.), Universals of Language 73-113*. Cambridge: MIT Press.
- Haig, G. (2000). “The gender system in the Kurdish language: structural and sociolinguistic aspects.” *Workshop on Work in Progress: Kurdish Gender Studies*. Katzow, 23-25.09.2000.
- Haig, G. 2008. *Alignment Change in Iranian Languages: A construction Grammar Approach*. Empirical Approaches to Language Typology [EALT] 37. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Hawkins, J.A. (1990). “A Parsing theory of Word Order Universals.” *Linguistic enquiry*. Vol.21, No. 2, pp. 223-261. MIT press.
- Hawkins, J.A. (2004). *Efficiency and Complexity in Grammars*. Oxford: Oxford University Press.
- Hawkins, J.A. (2012). “Patterns of asymmetry in argument structure across languages.” *In Suihkonen, Pirkko, Bernard Comrie and Valery Solovyev (eds.), Argument Structure and Grammatical Relations: A crosslinguistic typology*. xv, 406 pp. pp. 133–150.
- Jahani, C (2003). “The Case System in Iranian Baalochi in a Contact Linguistic Perspective”, *in The Baloch and Their Neighbours. Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, ed. Carnia Jahani and Agnes Korn. Wiesbaden: Reiechert, PP. 113-132.
- Jackson, A. V. W. (1982). *An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit*. Stuttgart.
- MacKenzie, D. N. (1966). *The dialect of Awroman (Hawrāmānī luhōn)*. kopenhaven: Det Kongelige Danske videnskabernes Selskab.
- Paul, D. (2011). *A Comparative Dialectal Description of Iranian Taleshi*. Ph.D.dissertation, University of Manchester.
- Paul, L. 2009. Zazaki. In G. Windfuhr (ed.), *The Iraninan Languages*. London & New York: Routledge. 545-577.
- Rastorgueva, V. S. et al. (2012). *The Gilaki Languge English translation editing and expanded content by Ronald M. Lockwood*. Acta Universitatis Upsaliensis. Studia Iranica Upsaliensia 19. viii + 445 pp. Uppsala. ISBN 978-91-554-8419-4.
- Skjaervo, P.O. (2002). *An introduction to Old Persian*. manuscript available online at: <http://www.fas.harvard.edu/Iranian/avesta/avestancomplete.pdf>.
- Skjaervo, P. O. (2007). “Avestan and Old Persian morphology.” *in: Alan S. Kaye (ed.), Morphologies of Asia and Africa*, 2: 853-939. Winona Lake, Ind.: Eisenbrauns.
- Skjærvø, P.O. 2009. Middle West Iranian. In G. Windfuhr (ed.), *The Iraninan Languages*. London & New York: Routledge. 196-278.

- Stilo, D.L., (1992). "Gilan X. Languges." in *Encyclopedia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater. NewYork: Bibliotheca Persica Press. pp.660-668
- Stilo, D.L., (2008B). "Case in Iranian: From reduction and loss to Innovation and Renewal." In: *A. Malcchukov and A. J. Spencer, eds. The Oxford Handbook on Case*, Oxford University Press, pp. 700-715
- Stilo, D. (2009). "Provincial Dialects".in *Encyclopedia Iranica*. Vol. XIV, pp.93.
- Thackston, W. M. 2006. *Kurmanji Kurdish, A reference grammar with selected readings*. unpublished, available at <http://www.fas.harvard.edu/~iranian>. (last accessed .10 September 2014)
- Todd, Terry L. (1985). A grammar of Dimlī (also known as Zaza), Ph.D. dissertation, University of Michigan, Ann Arbor.
- Windfuhr, G. (2009). *The Iranian Languages*. Routledge
- Yar-Shater, Ehsan.(1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*.Mouton, The Hague, Paris.